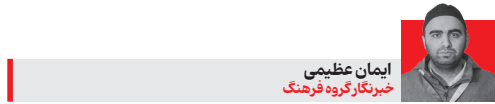
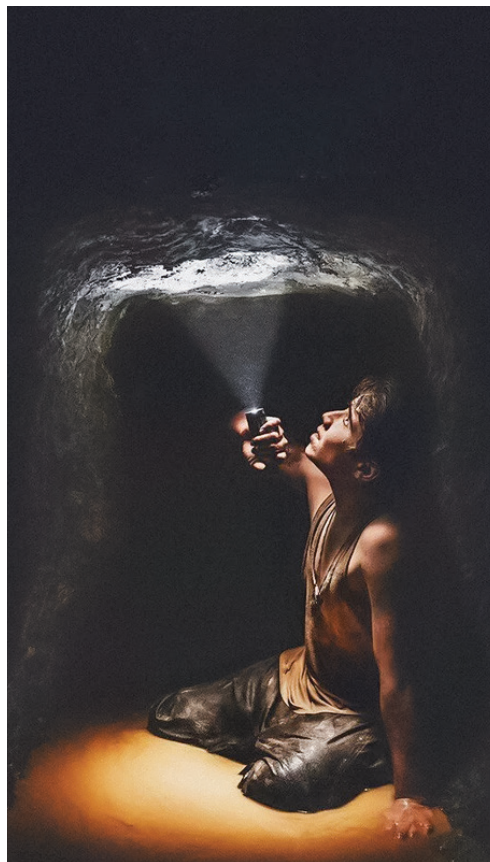


فیلم «در آغوش درخت» چطور نماینده ایران در اسکار شد؟

ناگهان درخت



بالاخره بعد از رفت و برگشت های بسیار، فیلم «در آغوش درخت» به عنوان نماینده ایران در اسکار انتخاب شد، فیلمی که در جشنواره ۱۴۰۱ به نمایش درآمد و اکران عمومی آن هم در سال ۱۴۰۳ بود. فیلم سینمایی در آغوش درخت از بین سه نامزد نهایی با اکثریت آرا به عنوان نماینده سینمای ایران به آکادمی اسکار ۲۰۲۵ معرفی شده است. ترنس آبیار، شبنم مقدمی، فریدون جیرانی، علی دهکردی، مرتضی زراق کریمی، مهدی سجاده چی، اکبر نبوی، بهروز شعبی و مجید زین العابدین اعضای ۹ نفره هیات انتخاب نماینده سینمای کشور برای حضور در نود و هفتمین دوره آکادمی اسکار را تشکیل می دادند و با وجود

مستند ایساتیس و شهر خاموش، فیلم پاپک خواجه پاشا را انتخاب کردند. سوای اینکه در آغوش درخت می تواند نماینده شایسته ای برای ما باشد یا خیر، باید گفت این اثر فیلم شایسته ای است و زندگی مردم ایران را بدون در نظر گرفتن بازی های سیاسی در متن حوادث فیلمنامه قرار می دهد و چهره های تمام احترام از ما به جهانیان مخابره می کند. امیدواریم دیپلماسی سینمایی در این عرصه پا به میدان بگذارد و دوران فترت سینمای ایران در جشن مهم اسکار را به پایان برساند. اما شاید این سوال پیش بیاید که چرا احتمال موفقیت ایران در این جشن سینمایی بسیار ناچیز است؟ هر کشوری برای ورود به جمع پنج نامزد نهایی بخش خارجی زبان یا همان فیلم های غیرانگلیسی باید از شرایط ویژه ای برخوردار باشد و اگر صرفا به ارسال اثر اکتفا کند تضمینی برای اسکار نخواهد داشت و ایران در حال حاضر در چنین موقعیتی قرار دارد.



برای حضور در بخش خارجی زبان اسکار چه شرایطی لازم است؟

بزرگ بریق اسکار داشته باشند باید چند شرط اساسی را رعایت کنند. اولین شرط، اکران برنامه بریزی شده و هدفمند در کشورهای صاحب صنعت سینماست. برای نمونه اگر فیلمی از کیفیت مطلوبی برخوردار باشد و در آمریکای شمالی یا اروپا به نمایش درنیاید شانس حضور خود در میان پنج فیلم نهایی فهرست بخش غیرانگلیسی زبان آکادمی را از دست می دهد و قافیه را به رقیبی که شاید از نظر کیفی در سطح پایین تری قرار داشته ولی از امکان اکران هدفمند در اروپا و آمریکای شمالی برخوردار بوده می یازد. اعضای آکادمی اسکار

اسکار مهم ترین جایزه سینمایی دنیاست و حتی با وجود اقبالی کمی که در سال های اخیر از جانب مخاطبان نصیبش شده ذره ای از جایگاهش را در نسبت با دیگر جشن ها و جشنواره های سینمایی از دست نداده است. با وجود این، تمرکز اصلی اسکار روی تولیدهای سینمای آمریکا، خاصه هالیوود و فیلم های انگلیسی زبان بوده و تنها یک بخش به آثار خارجی زبان اختصاص پیدا کرده است. هنرمندان کشورهایی که تولیدات سینمایی شان بیرون از چهارچوب سینمای آمریکا به بار نشسته برای اینکه بتوانند شانسی برای حضور در مراسم

جایی برای سینمای ایران در اسکار ۲۰۲۵ نیست

قامت یکی از سیاسی ترین فستیوال های فیلم در دنیا، در شرف برگزاری این جشنواره در دو سال پیش اعلام کردند هیچ یک از کمپانی های فیلمسازی، رسانه ها و روزنامه نگاران ایرانی اجازه حضور در دوره بعدی این رویداد سینمایی را نخواهند داشت. هر چند دیگر جشنواره ها تا این حد شمشیر را برای هنر و فرهنگ ایران از رو نیستند ولی عملی اس از اتفاقات مربوط به سال ۱۴۰۱ جریان رسمی سینمای ما را عملا به حساب نیاوردند و با بی اعتنایی از کنار آن گذشتند. جریان رسمی سینمای ایران به مرور از صحنه اصلی رقابت ها حذف شد و جایش را به جریان زیرزمینی داد تا این آثار با موفقیت حداقلی که در برلین و ونیز... به دست می آوردند در برابر آثار دارای مجوز قرار بگیرند و سینمای ایران را به دو بخش کاملا مجزا از یکدیگر تقسیم کنند.

سینمای ایران تشنه معرفی به مردم دنیاست و از اسکار به مثابه یک روزنه امید و یکی از معدود امکان های خود برای ورود به چرخه اکران بین المللی یاد می کند. در سال های پیش برای معرفی و ارسال فیلم منتخب به آکادمی اسکار بحث زیادی در میان سینماگران کشور درمی گرفت و تعدادی از خوره های فیلم هم برای ارسال نماینده ایران به اسکار به تبادل نظر با یکدیگر می پرداختند و برای اثر محبوب شان تبلیغ می کردند. در سال های نه چندان دور ارتباط مجموعه سینمای ایران با آکادمی اسکار بد نبود و دست اندکاران سینمای ما گوشه چشمی به مجسمه طلایی سوالیه اسکار داشتند. اما در حال حاضر دیگر نه آن شور و اشتیاق سابق وجود دارد و نه سازوکار مناسبی برای معرفی آثار منتخب سینمای ما به مهم ترین جشن سینمایی دنیا محلی از اعراب پیدا می کند. اکنون فرآیندهایی که می شد با تکیه بر آن به احتمال موفقیت سینمای ایران در اسکار جامه عمل پوشاندن مخدوش شده و شانس چندانی برای نماینده ما در اسکار ۲۰۲۵ وجود ندارد. همان طور که پیش تر اشاره شد، یکی از راه های موفقیت در اسکار حضور مستمر و فائقانه در جشنواره های سینمایی رده A است و سینمای ایران هم از زمان وقایع مربوط به سال ۱۴۰۱ از طرف مدیران این فستیوال ها به نوعی در حالت پاکوت و بی اعتنایی قرار دارد، حتی مدیران جشنواره برلین در

سینمای موسوم به ایرانیان در تبعید خواهد توانست راه خود را در قالب سینمای جشنواره ای باز کند ولی دلیلی برای خوشحالی وجود ندارد، چون این موفقیت ابتدای قرار گرفتن در سراسیمه سقوط است. سینمای زیرزمینی هم برای ادامه راهش نیاز به بازار دارد ولی همان طور که سابقه سینمای فارسی در رینگ دنیا و اروپا نشان می دهد هیچ راهی برای این طیف از فیلمسازان به منظور موفقیت در بازار وجود ندارد و آنها به قول معروف دنبال نخود سیاه رفته اند. از اینها گذشته اگر بخواهیم برای فقدان حضور جریان رسمی سینمای خود به دنبال مقصر بگردیم هیچ دیواری کوتاه تر از مدیران ارشاد و فارابی وجود ندارد. با بالا بردن سهم مدیران سینمایی تنها صورت مساله را برای رسیدن به جواب ساده کرده ایم و در جوی که علیه سیستم در میان منتقدان و کارشناسان حوزه سینما وجود دارد سهمی برای میانداری خود قائل شده ایم و گرنه با این دست فرمان فقط خود خود می چرخیم و تاب می خوریم. یکی از شروط راهیابی به فهرست پنج نامزد نهایی اسکار بخش خارجی زبان مطرح شدن فیلم در فستیوال های معتبر بین المللی است و اگر جشنواره ای مثل برلین تصمیم بگیرد که تمام منافذ را روی ما ببندد دیگر اتفاق خاصی برای سینمای ایران در اسکار روی نمی دهد. چون حضور در جشنواره های بین المللی تنها امکان واقعا موجود برای سینمای ایران است تا به واسطه

آن سال ها به گونه ای بود که چندان روی خوشی به فیلم های تجربی و حتی سینمای مدرن نشان نمی داد و گیج و وزیر درختان زیتون از جمله این آثار به حساب می آمدند که با سلیقه اعضای آکادمی فاصله زیادی داشتند و در نسبتی دور با صنعت سینمای آمریکا قرار می گرفتند. اما بچه های آسمان نقطه تلاقی سلیقه های متفاوت بود و هم توانست در جشنواره مونترال کانادا خوش بدرخشد و هم در جشنواره فجر و دیگر جشن های سینمایی به یک تازگی اش ادامه دهد. اگر فیلم روبرتو بنینی در آن سال نبود، مجید مجیدی تندیس اسکار را در آغوش می گرفت و سینمای ایران تا ۱۳ سال بعد برای دریافت اولین اسکارش انتظار نمی کشید. جدایی نادر از سیمین و اصغر فرهادی برای حضور چشمگیر در اسکار سال ۲۰۱۱ راه زیادی را پیمودند و یکی پس از دیگری جوایز سینمایی سال را درو کردند. همه در آن سال متفق القول روی این مساله تاکید می کردند که جدایی هیچ رقیب جدی ای در میان نامزد ها ندارد و اصغر فرهادی با از میان برداشتن فیلیپ فالاردو و جوزف سدار صاحب تندیس طلایی اسکار شد. دومین اسکار سینمای ایران در سال ۲۰۱۶ و در هشتاد و نهمین دوره این مراسم توسط اصغر فرهادی رقم خورد. فیلم «فروشنده» برخلاف جدایی نادر از سیمین شایسته دریافت اسکار در بخش خارجی نبود و با سواور شدن روی جوی که مخالفت با ترامپ ایجاد کرده بود توانست رقیبانش را از میان بردارد و سینمای ایران را به دومین اسکارش برساند.

در آغوش درخت، آرام و خانوادگی

زمانی که در آغوش درخت در جشنواره فیلم فجر ۱۴۰۱ اکران شد خیلی ها این فیلم را فیلم خانواده نامیدند، در آغوش درخت فیلم نزدیک به متوسطی است. یک قصه کوچک می گوید و می تواند تا حدی مساله اش را بیان کند. نکته مثبت دیگر فیلم استفاده دراماتیک از جغرافیاست. رودخانه و کوه... به کار درام آمده اند و این اتفاق در سینمای ایران که جغرافیا در اغلب فیلم هایش در حد ماکت می ماند، قابل ستایش است. فیلم ماجرای زن و شوهری است که به دلیل فویبای خاصی که زن دارد زندگی شان در حال فروپاشی است و قرار است دو پسرشان را بین خودشان تقسیم کنند. فیلم تمرکز اصلی اش را روی نمایش سختی جدایی برای پسر ها گذاشته و تا حدودی با توجه به بازی خوب بچه ها موفق است. فیلم صحنه ای دارد که در آن پسر بزرگ تر با پدرش به گردش می رود و پسر کوچک تر جامی ماند. دوربین پشت پسرک می ایستد و مکث می کند و صحنه درخشانی را رقم می زند. پرداخت خوب دیگر در توضیح سختی جدایی، بازی قایم باشک است که در آن پسر کوچک تر درحالی که مادر در حال تماشای بازی آنهاست، از پیدا نکردن برادرش بغض می کند. البته کات به بسته مادر در این صحنه می توانست بعد از بغض پسر بچه داده شود که تاثیر واقعه را روی او به تصویر بکشد. فیلم تلاش می کند نسبتی هم میان ماهی ها با پسر کوچک تر برقرار کند. پسر بچه معتقد است یک بار که در حال غرق شدن بوده، ماهی ها کمکش می کنند. نمایی که

پیش از پیدا شدن بچه ها، انگار از pov یک ماهی در استخر گرفته می شود هم می خواهد همین را جا بیندازد که البته ناموفق است.

